



نظریه‌های اخلاقی در اسلام*

مسعود صادقی علی‌آبادی

در تاریخ تفکر اسلامی، اخلاق در حوزه‌های بسیاری مورد بحث قرار گرفته است. بیشتر عرفانی می‌توان دو روش در پیش گرفت: اول، روش تاریخی یا افقی یعنی صرفاً دنبال کردن خط زمانی پیدایش و بسط اندیشه‌های اخلاقی؛ دوم، روش تحلیلی یا عمودی یعنی رسیدن به اندیشه‌های اخلاقی با ارائه تقسیم‌بندی بر حسب نوع نظریه. ماجد فخری در کتاب «نظریه‌های اخلاقی در اسلام» هر چند از نگاه تاریخی غافل نمی‌ماند، ولی در واقع از روش دوم تبعیت می‌کند. وی اخلاق اسلامی را طبق روایتی که از این موضوع به دست می‌دهد، بر حسب

در تاریخ تفکر اسلامی، اخلاق در حوزه‌های بسیاری مورد بحث قرار گرفته است. بیشتر عرفانی می‌توان دو روش در پیش گرفت: اول، روش تاریخی یا افقی یعنی صرفاً دنبال کردن خط زمانی پیدایش و بسط اندیشه‌های اخلاقی؛ دوم، روش تحلیلی یا عمودی یعنی رسیدن به اندیشه‌های اخلاقی با ارائه تقسیم‌بندی بر حسب نوع نظریه. ماجد فخری در کتاب «نظریه‌های اخلاقی در اسلام» هر چند از نگاه تاریخی غافل نمی‌ماند، ولی در واقع از روش دوم تبعیت می‌کند. وی اخلاق اسلامی را طبق روایتی که از این موضوع به دست می‌دهد، بر حسب

در ارائه جنبه‌های مهم تفکر اخلاقی در * . متن حاضر به معرفی و نقد کتاب زیر پرداخته است:

Majid, Fakhry, **Ethical Theories in Islam**,
2nd ed. (Leiden: E.J. Brill, 1994), XII + 238 pp .

اسلام در این طیف وسیع منابع (تفاسیر



نوع نظریه اخلاقی به چهار قسم تقسیم می‌کند و از این رو کتاب را در چهاربخش سامان می‌دهد: بخش اول، اخلاق برآمده از متون مقدس^(۱)؛ بخش دوم، اخلاق کلامی^(۲)؛ بخش سوم، اخلاق فلسفی^(۳)؛ بخش چهارم، اخلاق دینی^(۴).

نظریه اخلاقی تبیینی است مستدل از ماهیت و مبانی افعال و تصمیمات صواب و اصولی که مبنای این ادعا قرار دارند که این افعال و تصمیمات به لحاظ اخلاقی قابل ستایش یا نکوهش اند. بنابراین پژوهش اخلاقی به همان اندازه که بر تمایز بین افعال و تصمیمات صواب و خطا تأکید می‌ورزد، بر تعریف مفاهیم اخلاقی و توجیه یا ارزیابی احکام اخلاقی نیز تأکید دارد. قرآن و حدیث که محور حیات اخلاقی، دینی و اجتماعی همه مسلمانان است و هسته اصلی اخلاقیات اسلامی را می‌سازد، متضمن هیچ نظریه اخلاقی به معنای دقیق کلمه نیست.

در شرح و بیان آنچه «اخلاق برآمده از متون مقدس» مصطلح شده، تلاش می‌شود به نحو تحلیلی مفاهیم کلیدی اخلاق که در این دو منبع اولیه حقیقت دینی اسلام آمده است، بررسی شود.^(۵) این بررسی هرچند تا حد امکان خود را به فهم اولیه این اصطلاحات محدود می‌کند، اما در برخی موارد در تأیید خود ارجاعاتی به برخی مفسران قرآن مانند طبری

و بیضاوی دارد. مشکل اساسی در این تلاش تعیین نوع و عدد مفاهیم و مسائل اخلاقی است که به این بررسی مربوط اند. قبل از سده‌های سوم و چهارم هجری، یعنی پیش از آن که بحث نظام مند اخلاقی در جهان اسلام گسترش یابد، تنها می‌توان از تأملات اولیه در باب مسائلی سخن گفت که بعدها به عنوان موضوع اخلاق شناخته شدند. این مسائل عبارت‌اند از مسئله اختیار (قدر) و رابطه آن با قدرت مطلق الهی، ماهیت صواب و خطا و مسئله عدل الهی. از این رو بخش اول که در دو فصل تنظیم شده است، در ابتدا به اخلاقیات قرآنی می‌پردازد و با تمایز متن و تفسیر، ماهیت خیر و شرّ به عنوان دو مفهوم کلیدی اخلاق در قرآن و مسئله عدل الهی و مسئولیت انسانی را مطالعه می‌کند. در فصل دوم از شواهد حدیثی این مسائل بحث می‌کند.

بحث از نظریه‌های کلامی اخلاق، بحثی پیچیده‌تر است. در اینجا باید بین دو جریان عمده در تاریخ کلام اسلامی تمایز نهاد. یکی جریان عقل‌گرایانه که با متکلمین قدری و معتزلی سده‌های دوم و سوم آغاز می‌شود و دیگر جریان اراده‌گرایانه الهی که با ابوالحسن اشعری شروع می‌شود. این جریان اخیر است که در نهایت به عنوان درست آیینی رواج و حاکمیت می‌یابد. نمایندگان اصلی مکتب



معتزلی عبارت اند از ابوالهذیل علف، بشرین معمر، معمر بن عبّاد و نویسنده دائرةالمعارفی قرن پنجم، قاضی عبدالجبار معتزلی که کامل ترین و نظام مندترین بیان از اخلاق معتزلی را به دست داده است. نمایندگان اصلی مکتب اشعری، باقلانی، بغدادی، جوینی و شهرستانی می باشند. غزالی و فخرالدین رازی نیز متعلق به این مکتب هستند.

این دو مکتب فکری، درگیر نزاعی بزرگ راجع به شأن وجود شناختی خوب و بد، منبع معرفت اخلاقی ما و اختیار شدند. معتزله برخلاف اشاعره قائل به وجود واقعی حسن و قبح، مستقل از قوای ادراکی انسان و مستقل از امر و نهی و اراده و کراهت الهی شدند. طبق نظر آنها، شرک قبیح است چه خداوند آن را محکوم کرده باشد چه نکرده باشد، و وفای به عهد حسن است چه خداوند به آن امر کرده باشد چه نکرده باشد. از نظر معتزله عقل انسانی مستقل از وحی می تواند به کشف حسن و قبح افعال نایل آید. در واقع معتزله با قول به حسن و قبح ذاتی، دیدگاهی وجود شناختی و باقول حسن و قبح عقلی دیدگاهی معرفت شناختی در باب نحوه وجود خوبی و بدی و منبع معرفت ما به آنها اتخاذ نمودند. مکتب اشعری این دیدگاه را کاملاً غیر قابل قبول یافت، چرا که آن در حکم محدود کردن اراده الهی و بنا نهادن نظامی از ارزش هاست

که مستقل از وحی وجود دارد. از نظر اشاعره عقل تنها می تواند مبنای نظام اخلاقی را که خداوند وحی نموده است بفهمد و خودش هیچ مرجعیتی ندارد. غزالی متکلم معروف اشعری مدعی بود از آنجا که بسیاری از افراد عاقل در امور اخلاقی با یکدیگر تعارض دارند، زندگی اخلاقی بدون مرجعیت وحی به آسانی به هرج و مرج می انجامد. به عبارت دیگر اشاعره با قول به حسن و قبح الهی به لحاظ وجود شناختی، برای خوبی و بدی مستقل از اراده و کراهت و امر و نهی الهی وجود و واقعیتی قائل نبودند و با قول به حسن و قبح شرعی به لحاظ معرفت شناختی، منبع معرفت ما نسبت به خوبی و بدی را شرع می دانستند.

در خصوص اختیار، اشاعره بر این نظرند که فعل انسانی به چیزی جز تطابق اراده الهی با انجام انسانی نیست. در مقابل، معتزله بر انتخاب عقلانی و اختیار واقعی و اختیار واقعی افعال تأکید دارند و بر این نظرند که اراده، قدرت و امر الهی ما را از آزادی مان در انتخاب و عمل محروم نمی کند و اراده و اختیار انسان لازمه حکمت و عدل الهی است. بخش دوم کتاب «نظریه های اخلاقی در اسلام» با عنوان «اخلاق کلامی» در دو فصل تنظیم شده است. فصل اول با عنوان «عقل گرایی اخلاقی» به بررسی دیدگاه معتزله

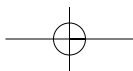


فضیلت محور با تأکید بر مسائل اجتماعی و سیاسی ارائه می‌شود. روانشناسی هم بر مطالعه این فیلسوفان در مورد طبیعت انسانی به طور کلی ماهیت نفس به طور خاص و هم بر طبقه‌بندی آنها از فضایل اخلاقی اثر گذاشته است. نفس انسان به تعبیر افلاطون سه بخش دارد: عقلانی، غضبیه، شهویه. این سه بخش در نوشته‌های فیلسوفان اسلامی به ترتیب معادل سه نفس عاقله یا انسانی، حیوانی و نباتی در تقسیم‌بندی ارسطویی انگاشته شده است. فضیلت نفس انسانی یا عاقله، حکمت؛ فضیلت نفس حیوانی یا غضبیه، شجاعت؛ و فضیلت نفس نباتی یا شهویه عفت یا خویش‌تنداری است. اعتدال این سه موجب فضیلت عدالت می‌شود. این فضایل چهارگانه که بر اساس نظریه نفوس سه‌گانه طرح ریزی شده‌اند، فضایل اصلی را می‌سازند. فضایل به فضایل عقلی و اخلاقی تقسیم می‌شوند. فضیلت اخلاقی، هیأت و ملکه‌ی راسخ در نفس است که به واسطه آن افعال نیکو به آسانی از نفس صادر می‌شود. افعال فضیلت‌مند افعالی هستند که در حد وسط افراط و تفریط قرار دارند. افراط و تفریط به رذایل اخلاقی می‌انجامد.

چارچوب نظریه فضیلت فیلسوفان مسلمان را این شاکله‌های افلاطونی-ارسطویی شکل می‌دهد. فضایل اصلی، فضایل اسلامی

در خصوص مبانی وظیفه‌شناختی صواب و خطا، قدرت و مسئولیت انسان و حکمت و عدل الهی می‌پردازد. فصل دوم با عنوان «اراده‌گرایی اخلاقی» دیدگاه اشاعره در خصوص اراده الهی به عنوان مبنای صواب و خطا، قدرت الهی و کسب انسانی و عدل الهی و کسب انسانی و عدل و ظلم را بررسی می‌کند. کلام اسلامی در واقع بازتاب نیازهای فکری، اجتماعی و سیاسی امت در حال رشد و گسترش اسلامی بود. و به این معنا که کمتر به منابع بیرونی مدیون بود، اسلامی تراست. در مقابل، فلسفه در اسلام در بسیاری از جنبه‌ها امری بیرونی است. نظریه‌های فلسفی اخلاق تألیفی است از عناصر اسلامی، افلاطونی، ارسطویی و رواقی. فیلسوفان اسلامی بخش عظیمی از معارفشان را از رساله‌های جمهوری، تیمائوس و نوامیس افلاطون، کتاب اخلاق نیکو ماخوس ارسطو و آثار جالینوس اخذ کردند. فیلسوفانی مانند کندی، فارابی، ابن سینا، ابن باجه، ابن طفیل و ابن رشد به مسائل اخلاقی توجه بسیار کردند و برخی مانند ابوعلی مسکویه، خواجه نصیرالدین طوسی و جلال‌الدین دوانی به عنوان متفکر و فیلسوف اخلاق معروف شدند.

دیدگاه‌های اخلاقی فیلسوفان برجسته اسلامی معمولاً بار و انشناسی عقلی و علم النفس فلسفی شروع می‌شود و براساس آن اخلاقی





را به عنوان بخش‌های فرعی در خود جای می‌دهند. برای مثال ایمان تحت فضیلت حکمت، و زهد و عبادت تحت فضیلت عدالت قرار می‌گیرد. رشد روان - معرفت شناختی با عقل زهد و عبادت تحت فضیلت عدالت قرار می‌گیرد. رشد روان - معرفت شناختی با عقل بالقوه شروع می‌شود و به عقل مستفاد خاتمه می‌یابد. این تبدیل و تحول از بالقوه به بالفعل به کمک عقل فعال که صورت محض و عاری از ماده است صورت می‌گیرد. هنگامی که کمال عقلانی و اخلاقی تحقق یافت، اتصال بین عقل مستفاد و عقل فعال واقع می‌شود. این نظریه اتصال در سنت فارابی بسیار مهم است، زیرا ارتباط مستقیم با مفهوم وحی و سعادت فرجامین دارد. برای رسیدن به زندگی فضیلت‌مند، سنت فارابی بر ضرورت سازمان سیاسی تأکید می‌کند. تحقق بسیاری از فضایل فردی و اجتماعی بدون بودن در جامعه امکان‌پذیر نیست. در مدینه فاضله است که انسان‌ها می‌توانند به سعادت حقیقی‌شان نایل آیند.

بخش سوم کتاب «نظریه‌های اخلاق در اسلام» با عنوان «اخلاق فلسفی» عهده‌دار بررسی نظریه‌های فلسفی اخلاقی است. این بخش در هشت فصل تنظیم شده است. فصل اول به منابع یونانی اخلاق فلسفی می‌پردازد. مواد اخلاق یونانی به دو طریق وارد محافل فکری اسلامی شد: یکی از طریق مجموعه‌های مواعظ و حکم اخلاقی، دیگر از طریق متون فلسفی ترجمه شده. از جمله مجموعه‌های مواعظ اخلاقی می‌توان به این آثار اشاره کرد: نوادرالفلاسفه، ترجمه و تألیف حسین بن اسحاق؛ الفاظ سقراط، تألیف کندی؛ السعادة و الأسماعد و الأمد الی الابد تألیف ابوالحسن عامری؛ صوان الحکمة ابوسلیمان سجستانی؛ جاویدان خرد ابوعلی مسکویه و مختارالحکم مباشر بن فاتک. برخی از این آثار مانند جاویدان خرد ابوعلی مسکویه، مشتمل بر مواعظ و حکم اخلاقی ایرانیان، هندوان، اعراب و یونانیان است، و از این رو عناصر غیر یونانی شکل دهنده به اخلاق فلسفی اسلام را آشکار می‌سازد.

فصل دوم این بخش با عنوان «پیش درآمد سقراطی و رواقی» به آرای اخلاقی کندی و رازی اشاره می‌کند. فصل سوم به بحث از گرایش‌های ارسطویی و نوافلاطونی می‌پردازد و آرای فارابی، ابن سینا و ابن رشد را بررسی می‌کند. فصل چهارم عناصر نوفیثاغوری را

پاره‌ای از فیلسوفان مانند کندی و رازی، تلقی طبیعیانه از اخلاق فضایل اتخاذ کرده‌اند. کتاب معروف «طب و روحانی» رازی و رساله «الحلیه لدفع الاحزان» کندی نمونه‌های خوب این تلقی هستند. این تلقی بعدها توسط دیگر فیلسوفان و حتی صوفیان دنبال شده است.

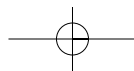




نامیده شد، در این است که مدافعانشان از فلسفه یونانی و کلام اسلامی تأثیر پذیرفتند و از این رو نگران کنار آمدن با جریان‌های استدلالی بودند که در قرن سوم بر اثر مواجهه و تماس با فلسفه یونانی و الهیات مسیحی در دمشق و بغداد و دیگر مراکز تعلیم در خاور نزدیک پدید آمد. تفاوت اخلاق دینی با اخلاق کلامی در این است که اولاً متکلمان، چه معتزلی و چه غیر معتزلی به مسائل اخلاقی به نحوی استدلالی پرداخته‌اند و یا دلمشغول تأیید نظرهایی عقل‌گرایانه بوده‌اند، مانند ماهیت و مبانی صواب و خطا و تکلیف که در نهایت با فلسفه یونانی پیوند داشته است یا به ردّ و ابطال آنها می‌پرداخته‌اند. ثانیاً بسیاری از مسائلی که به آن پرداختند، عمدتاً مسائل روش شناختی بودند. به تعبیر دیگر، آنها بیشتر نگران تعیین شأن منطقی گزاره‌های اخلاقی بودند تا بسط محتوای نظریه‌ای اخلاقی. ثانیاً لحن مباحث کلامی اخلاق به طور کلی لحنی جدلی بود، نویسندگان کلامی یا به انتقاد از اهل حدیث و جبرگرایان می‌پرداختند، چنان‌که در محافل معتزلی مرسوم بود یا از فلاسفه و نویسندگان دارای گرایش فلسفی انتقاد می‌کردند. آن‌طور که اشاعره و حنابله می‌کردند. اخلاق دینی، در مقابل با صرف نظر کردن از نکته‌سنجی‌ها و باریک‌بینی‌های روش شناختی یا استدلالی،

نزد اخوان الصفا نشان می‌دهد و به بحث از مسائلی چون پیدایش و رشد خصایل اخلاقی، انسان به عنوان عالم صغیر و جبر و اختیار می‌پردازد. فصل پنجم، ششم، هفتم و هشتم به ترتیب به بحث از آرای یحیی بن عدی، احمد بن محمد مسکویه، خواجه نصرالدین طوسی و جلال‌الدین دوانی اختصاص دارد. مسکویه برجسته‌ترین فیلسوف اخلاق مسلمان است که در کتاب «تهذیب الاخلاق» آموزه‌هایی ارسطویی و افلاطونی را به نحوی دقیق و منسجم تلفیق و به شکل نوافلاطونی و تا اندازه‌ای عرفانی ارائه نموده است. کتاب مسکویه الگوی فیلسوفان پس از وی واقع شده است. خواجه نصیر و دوانی چیز زیادی به جوهره اخلاق مسکویه نیفزوده‌اند. اما هر دو تا حد زیادی دامنه مطالعه خود را با افزودن بخش‌های وسیعی در باب تدبیر منزل و سیاست مدن گسترش داده‌اند. خواجه نصیر علاوه بر این، زیر ساختار روان شناختی اخلاق را با آنچه از علم النفس ابن سینا اخذ کرده، بسط بیشتری داده است. دوانی نیز بر مفهوم شیعی اشرف المخلوقات و خلیفه الله بودن انسان تأکید داشته است.

نظریه‌های دینی اخلاق در نهایت ریشه در تصویر قرآن از انسان و موضع وی در جهان دارد. تفاوت این نظریه‌ها با آن نوع اخلاقی که «اخلاق برآمده از متون مقدس»



محور توجه خود را روشن ساختن روح اخلاق اسلامی به صورتی مستقیم تر قرار می‌داد. نویسندگان اخلاق دینی، به ویژه در دوره‌های اولیه، به مفاهیم کلیدی قرآن، یعنی ایمان، ورع و طاعت می‌پرداختند و از آیات قرآن و احادیث در تأیید دیدگاه‌های اخلاقی‌شان بهره می‌گرفتند.

مؤلفه‌های اصلی اخلاق دینی شامل دیدگاه قرآنی، مفاهیم کلامی، مقولات فلسفی و در برخی موارد تصوف می‌باشد. از این رو این نظام اخلاقی به همان اندازه که مشخصاً اسلامی‌ترین نظام است، پیچیده‌ترین نیز هست. از جمله نمایندگان مهم این نظام عبارت‌اند از حسن بصری، زاهد بزرگ قرن دوم؛ ماوردی، متکلم و فقیه شافعی نویسنده رساله اخلاقی مهمی با عنوان «ادب الدنیا والدین»؛ راغب اصفهانی، نویسنده رساله اخلاقی مهمی با عنوان «کتاب الذریعه الی مکارم الشریعه» که بر غزالی و دیگر نویسندگان اخلاق دینی اثر گذاشته است. غزالی که نظام اخلاقی‌اش آمیزه‌ای است از اخلاق فلسفی، کلامی و صوفیانه، بی‌شک برجسته‌ترین نمونه اخلاق دینی است. رساله «میزان الاعمال» و کتاب «احیاء علوم الدین» وی منابع مهم تفکر اخلاقی و دینی در اسلام است. سرانجام باید از فخرالدین رازی نام برد که «کتاب النفس والروح» وی تأثیرات ابن سینایی و غزالی را

در حوزه‌های مابعدالطبیعه و اخلاق منعکس می‌سازد و شایسته است در مطالعه اخلاق مورد بحث قرار گیرد.

بخش چهارم و آخر کتاب «نظریه‌های اخلاقی در اسلام» به این نوع اخلاق می‌پردازد. این بخش در شش فصل تنظیم شده است. فصل اول با عنوان «اخلاق دینی و آرمان زهد» به تعریف اخلاق دینی و سنت‌گرایی اخلاقی حسن بصری و ابن ابی‌الدنیا می‌پردازد. فصل دوم، به بحث از آرای اخلاقی ابوالحسن ماوردی اختصاص یافته است. فصل سوم با اشاره به تنگنای اخلاق ظاهرگرایانه علی بن احمد بن خرم، به آرای وی در خصوص بیهودگی جاه‌طلبی و عجب و فضایل اصلی اشاره می‌کند. فصل چهارم مکارم الشریعه راغب اصفهانی را به بحث می‌کشد. فصل پنجم با عنوان «روابط روانشناسی و اخلاق از نگاه فخرالدین رازی» به بحث از آرای وی در ذیل مباحثی چون موضع انسان در جهان، نفس و قوای آن و نقد لذت‌گرایی می‌پردازد. فصل ششم نظام ترکیبی غزالی را مطالعه می‌کند.

علاوه بر چهار بخش مذکور، کتاب حاضر حاوی دو پیشگفتار، یکی به چاپ اول و دیگری به چاپ دوم یعنی چاپ کنونی، و یک مقدمه و چهار پیوست است. پیوست اول، نوشتاری است با عنوان «آرمان تأمل در فلسفه اسلامی: ارسطو و ابن سینا»؛ پیوست

دوم، ترجمه‌ای است از بحثی از «رسالة النفس» ابن سینا؛ پیوست سوم، ترجمه فصلی است با عنوان «در باب مشیّت، و چگونگی ورود شر در قضای الهی» از کتاب «النجاة» ابن سینا؛ پیوست چهارم با عنوان «آرمان عرفانی یا جستجوی خداوند» ترجمه‌ای از فصل پایانی «میزان الاعمال» غزالی است.

کتاب «نظریه‌های اخلاقی در اسلام» ماجد فخری ادامه کتاب «تاریخ فلسفه اسلامی»^(۶) اوست و در واقع تلاشی است برای پرکردن خلأی آن کتاب در حوزه اخلاق. این کتاب همچنین یکی از جامع‌ترین و جدیدترین کتاب‌ها در این حوزه نیز هست، به‌ویژه اگر به فقدان مطالعات جدید در خصوص اخلاق اسلامی به زبان فارسی و محدود بودن این مطالعات به لحاظ تعداد و دامنه در زبان‌های

اروپایی توجه شود. اما، همان‌طور که خود نویسنده به آن اذعان دارد، این کتاب صرفاً به جنبه استدلالی تفکر اخلاقی اسلام پرداخته و از این رو وظیفه اصلی خود را تحلیل فلسفی مفاهیم اخلاقی و پیش‌فرض‌های آن قرار داده است، بدون این که به لوازم جامعه‌شناختی و کاربست‌های عملی آن توجه کرده باشد و به عبارتی فاقد جنبه عملی اخلاق اسلامی است. همچنین جای اخلاق عرفانی یا صوفیانه اسلام نیز در این کتاب خالی است. نویسنده دلیل این خلأ را یکی این می‌داند که

عصر استدلالی در تفکر عرفانی ناچیز است و این کتاب نیز صرفاً به جنبه استدلالی اخلاق می‌پردازد، دیگر این که بارائه دست کم یک نمونه برجسته از نکاح اخلاق صوفیانه و فلسفی تا حدودی این خلأ را پر کرده است. اما گذشته از این دو نکته که خود مؤلف آن را متذکر شده است، باید خاطر نشان کرد که این کتاب در تأثیر اخلاق یونانی بر نظریه‌های فلسفی اخلاق در اسلام بیش از اندازه اغراق کرده است و از سوی دیگر هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای برای ادعا که پس از جلال‌الدین دوانی، تفکر اخلاقی در جهان اسلام پیشرفتی نداشته، اقامه نکرده است، با این همه باید تصدیق کرد که این کتاب یکی از بهترین آثار در ارائه تحلیلی جنبه‌های مختلف اخلاق اسلامی است.

پانوشت‌ها

1. scriptural morality
2. theological ethics.
3. philosophical ethics.
4. religious ethics.

۵. در بحث از مفاهیم اخلاقی قرآن می‌توان همچنین به کتاب زیر اشاره کرد:

توشیهیکو ایزوتسو، مفاهیم اخلاقی- دینی در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، (تهران: نشر فرزانه روز، ۱۳۷۸).
 ۶. این کتاب با عنوان زیر به فارسی ترجمه شده است:
 ماجد فخری، سیر فلسفه در جهان اسلام، ترجمه جمعی از نویسندگان زیر نظر نصرالله پور- جوادی، (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲).